

### متن پرسش

سلام استاد و خدا قوت: استاد اگه اجازه بفرمایید می خواستم به این عزیزان منتقد توافق عرض کنم که دلواپسی شما بجا اما انقلاب اسلامی و امت اسلامی فقط تو بچه حزب الهی با اون فهم و بصیرت و رحیه انقلابی نیستی عزیز من، بلکه تمام اقشار جامعه باید با این انقلاب بیان بالا و رشد کنن، بصیرت پیدا کنن تا انقلاب هم رو به جلو بره، نمیشه بهشون گفت شما بچسبید به زندگیتون کاری به چیزی نداشته باشین تا ما خودمون انقلاب رو اداره کنیم. بزارین یه مثال بزنم برا بهتر روشن شدن موضوع.

در فتنه ۸۸ آقای حجت الاسلام راشد یزدی می گفتند که در اوج فتنه و اغتشاشات و اون همه آبروریزی برای نظام من با رهبر انقلاب داخل ماشین نشسته بودیم و به (قم یا جمکران درست یادم نیست) می رفتیم که من داشتم خدمت آقا شکوه می کردم و می گفتم که چقدر بد شد چه ضربه حیثیتی خورد نظام، اما آقا در جواب فرمودند که این حرفا درست اما این انقلاب هم باید بیمه بشه قوی بشه رشد کنه. ببینید رفقای حزب الهی عزیز در اوج اون اتفاقات در ظاهر بسیار تلخ حضرت آقا چه نوع دیدی دارن کجاها رو می بینن و این همون بصیرت و باطن بینی اولیای الهی هست از شناخت دقیق و عمیق سنت های الهی حاصل میشه. شما این جمله آقا رو در ابتدای این مذاکرات که فرمودند به مذاکرات خوش بین نیستم اما به اذن الله از آن ضرری هم نمی کنیم رو با همین دید نگاه کنید. عزیزان ولی خدا که به منبع نور وصل هست داره این حرف رو میزنه و دیر یا زود تحقق این حرف رو خواهیم دید همینطور که تحقق اون حرف اقا به آقای راشد در مورد فتنه ۸۸ رو داریم الان می بینیم. این در مورد داخل کشور بود اما در مورد خارج از کشور هم تقریباً همینطور یعنی اینو بدونیم که این انقلاب قراره در دل کل ملتها و نظام های این جهان بدرخشه و پیش بره و دعوت خودش رو به سمت معنویت و گذر از ظلمات مادی گری پیش بره و همه ملتها فقط اون ملت های طرفدار نظام اسلامی نیستن بلکه بسیاری تحت تاثیر تبلیغات و القاءات رسانه های صهیونیستی دید منفی به این انقلاب و کشور دارن و این نظام رو جنگ طلب خشن و غیر قابل تعامل و گفتگو میدونن نه فقط ملت ها بلکه بعضاً دولتها و سیاست مداران اونها هم همین دید رو دارن که این گفتگو ها و امتیاز دادن ها برای رفع بهانه جویی که ان شاء الله با نقض عهد طرف مقابل و کارشکنی مداوم و لجاجت اونها میتونه باعث بشه که این دید هم در خارج و هم در داخل تا حدود زیادی از بین بره و زمینه درخشش بیشتر و سرعت سیر بیشتر انقلاب اسلامی در دل تاریخ فراهم بشه. پس عزیزان بفرموده رهبر انقلاب بهتره عجله نکنیم و ببینیم آخرش چی میشه. این نکته هم بگم که این جمله حضرت آقا مقام معظم رهبری قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ در دانشگاه افسری امام علی من رو خیلی به خودش

مشغول کرده و خیلی قابل تامله و شما هم روش تامل کنید تامل فراوان، اقا فرمودند ما نمی دانیم خداوند چه تقدیری برایمان در نظر گرفته و قلب ها رو به چه سمتی هدایت میکنه، انتخابات ریاست جمهوری مورد نظر ایشان بود. استاد معذرت می خوام دعام کنید و خدانگهدار

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده با شما موافق هستم که باید در نحوه‌ی حضور خودمان در این تاریخ جداً فکر کرد. تفکر، یک موضوع تاریخی است و انسان‌ها و ملت‌ها باید در بستر تاریخی که دارند مراحل تفکر را یکی بعد از دیگری طی کنند تا قدم قدم به تفکر نهایی که متناسب با اهدافی است که برای خود در نظر گرفته‌اند، برسند از این رو ما باید متوجه باشیم فعلاً در کدام مرحله از تفکر تاریخی خود قرار داریم تا جایگاه خود را پاس داریم و موقعیت خود را جدی بگیریم.

در غرب وقتی رنسانس از حالت شور احساسی‌اش جلوتر آمد و به طور طبیعی به بازخوانی خود نشست، زمینه ظهور یک نوع تفکر شروع شد که حاصل آن بازخوانی، شخصیت‌هایی مثل هگل و شلینگ و فیخته شد که پدران فکری فرهنگی غرب‌اند. در انقلاب اسلامی نیز این سیر در حال وقوع است ولی با رویکرد قدسی مخصوص به خود.

در غرب بعد از شور احساسی رنسانس، آرام آرام اندیشیدن نسبت به تاریخی که در آن قرار گرفتند به صورتی جدی پیش آمد و در واقع می‌توان گفت هگل و هم‌دوره‌های‌ایش حاصل میز فکری‌اند که بعد از آن شور رنسانسی ظهور کرد. این کار مهمی است که افراد متعلق به انقلاب اسلامی نیز بتوانند آرام آرام وارد فاز اندیشیدن نسبت به تاریخی شوند که در آن قرار دارند و معلوم است که فکرکردن فضای خاص خود را می‌خواهد و باید افق خاصی در میان باشد. بنده معتقدم ما نیز می‌توانیم آرام آرام خود را به تاریخی وارد کنیم که تاریخ تفکر نسبت به جایگاه انقلاب اسلامی است و بدانیم انقلاب اسلامی در مسیر حرکت خود به جلو در حال ظهور و طلوع زمینه‌ی تفکر خاصی است که می‌خواهد به طور همه جانبه خود را بیابد، البته نمی‌گویم در آن فضا قرار گرفته‌ایم، معتقدم در حال ورود به آن نوع فکر هستیم.

البته چون آن فکری که امثال هگل بدان نظر داشتند در زمینه‌ای مطرح شد که از یک طرف ارسطویی و از طرف دیگر از تثلیث کلیسائی متأثر بود، به آن نتیجه‌ای که باید برسد نرسید و با آن همه دقت که هگل نسبت به هندسه فکری خود داشت و واقعاً هم چیز عجیب و غریبی بود. با این همه به بن بستنی که آن مکتب در مقابل خود داشت و کلیسا نتوانست با طرح فلسفی سیاسی هگل خود را بازخوانی کند، کلیسا نتوانست به نتیجه‌ای که هگل می‌خواست برسد، برسد إلا آن‌که بگوئیم زمینه‌ای شد جهت ظهور نهضت پدیدارشناسی.

هگل با آن حیطه‌ی تفکر و عمقی که به فرهنگ غرب داد تصور می‌کرد می‌تواند همه مسائل را حل کند و واقعاً کسی که در آن تاریخ با آن اندیشه روبرو می‌شد گمان می‌کرد هگل ابهامات حرکت مدرنیته را جهت رسیدن به مقصدی که مدرنیته برای خود طراحی کرده رفع می‌کند و غرب به مطلوب خود برسد. هگل یک شخصیت مذهبی است و می‌خواهد کتاب مقدس را به تاریخ خود برگرداند، البته جایگاه تاریخی هگل بسیار پیچیده‌تر از این حرف‌ها است که بنده بتوانم به این راحتی توصیف‌اش کنم. عرض بنده تنها آن است: همان‌طور که رنسانس در مسیر خود به منزل‌هایی رسید که در نهایت به هگل و امثال هگل منجر شد، ما نیز به یک معنا باید این مسیر را طی کنیم تا بتوانیم در شرایط تاریخی تفکر نسبت به انقلاب اسلامی وارد بشویم و این نشست‌ها می‌تواند ما را در آن شرایط تاریخی قرار دهد که نتیجه‌اش هگل می‌شود، البته با رویکرد قدسی مخصوص انقلاب اسلامی و نظر به نور مهدی (عج)، هر چند ما هنوز به آن بلوغ از تفکر که شایسته هدف بزرگ انقلاب اسلامی است نرسیده‌ایم. افق ما بحمدالله حضرت مهدی (عج) است و همین امر انقلاب اسلامی را آینده‌دار کرده است. هگل به نکات ظریفی از معرفت نزدیک می‌شود حتی به حرف‌هایی که محی‌الدین در عرفان نظری پیش می‌کشد نظر دارد، ولی نمی‌تواند بهره لازم را از آن نکات ببرد زیرا زیرساخت‌های فکری فرهنگی لازم در آن زمین موجود نبود [1] و ما در جایی هستیم که در سیر حرکت انقلاب اسلامی می‌توانیم قدرت تفکر را ان شاء الله به جامعه‌مان برگردانیم. با این فرض که عزیزان در شرایطی از آمادگی و تفکر قرار دارند که نحوه‌ای از تاریخ‌سازی به صورتی که انبیاء داشتند را در خود دارا می‌باشند.

موفق باشید

---

[1] - انقلاب فرانسه سرچشمه‌ی تفکر هگل است و می‌توان گفت انقلاب اسلامی می‌تواند سرچشمه‌ی تفکری شود که روح انقلاب اسلامی را در خود آگاهی مخصوص به خود تبیین کند و به یک معنا انقلاب اسلامی، هگل خود را متولد نماید. در رابطه با شخصیت فکری هگل به کتاب «هگل» از آقای دکتر علی اصغر مصلح، از انتشارات علمی رجوع فرمائید.